مهدویت در اندیشه استاد مطهری

محمدپوردهکردی، سیما

همه گروههای اسلامی بر این قول متفقند که‏ در آخر الزمان،مردی ظهور می‏کند(1)که دنیا را پر از عدل و داد می‏کند و دولت حق را برپا می‏سازد، دولتی که تمام جهان را فرا می‏گیرد.این دیدگاه به‏ استناد آیات کریمه قرآن از جمله:105 سوره انبیاء، 5 قصص،32 و 33 توبه و...است.اهل سنت‏ با شیعیان اتفاق نظر دارند بر اینکه مهدی از خلفای‏ دوازده گانه‏ای است که رسول اکرم(ص)به آنها در احادیث گوناگون بشارت داده است.(2)

از آنجا که حقایق وحی و وجود رهبران الهی در بین بشر،منطبق با نیازهای طبیعی و فطری است، چنین اعتقادی نیز ریشه در نهاد انسان دارد و پاسخی‏ به نیاز آرمانی بشریت است.

استاد شهید مرتضی مطهری،در چند اثر ارزشمند خود به بررسی مسئله مهدویت و انتظار پرداخته‏اند.یکی از تعابیر ارزشمند ایشان،در وصف جایگاه حضرت حجت در زمین،تعبیر «صاحب»است.در کتاب گفتارهای معنوی، ضمن بیان حدیثی از رسول اکرم پیرامون امدادهای‏ الهی نسبت به بشریت به واسطه حضرت‏ مهدی(عج)،چنین نتیجه می‏گیرند:«خدا هرگز دنیا را بی‏صاحب(3)نگذاشته است،و بی‏صاحب‏ هم نخواهد گذاشت.(4)

ایشان از معدود کسانی بودند که حقایق دین را، با همه ابعادش،عمیق فهمیدند،رسا بیان کردند و نیکو عمل نمودند و اگر دشمن فرصت داده بود عمیقتر می‏فهمیدند و می‏فهماندند.این رمز موفقیت انسانهای بزرگ است که چون قول و فعلشان یکی می‏شود،خداوند چشمه‏های علم و حکمت را از قلب بر زبانشان جاری می‏کند تا دیگران را نیز از این«می»گوارا بهره‏مند سازند.

سخن از مهدویت و انتظار بزرگ،صفای مجلس‏ گفتارهای بلند مطهری بود به گفته مرحوم آیت الله‏ کمپانی:

بر هم زنید یاران این بزم بی صفا را مجلس صفا ندارد بی یار مجلس آرا

بی شاهدی و شمعی هرگز مباد جمعی‏ بی‏لاله شور نبود مرغان خوشنوا را

بی نغمه دف و چنگ مطرب به رقص ناید وجد سماع باید کز سر برد هوا را

جام مدام گلگون خواهد حریف موزون‏ بی می مدان تو میمون جام جهان نما را

بر دوست تکیه باید بر خویشتن نشاید موسی صفت بیفکن از دست خود عصا را

بیگانه باش از خویش وز خویشتن میندیش‏ جز آشنا نبیند دیدار آشنا را...(5)

مطهری و فلسفه انتظار

«انتظار»از مفاهیم دو پهلو و لغزنده‏ای‏ همانند:تقدر،توکل،صبر و...است(6)که در طول تاریخ اندیشه اسلامی،برداشتهای متفاوتی از آن شده است.هر بار کسی به تناسب فهم و درک‏ خود،دستی بر سر این واژه کشیده و به این درک‏ خشنود گشته،حق را همان پنداشته است و بس. به تعبیر زیبای قرآن:

«کل حزب بما لدیهم‏ فرحون»

(7)

البته این کوته نگری،تنها اختصاص به این‏ مفاهیم ندارد،بسیاری از بدعتها است که انسانها، خواسته یا ناخواسته،وارد دین می‏کنند و به اندیشه‏ خام خود،کارشان را خدمت به دین می‏دانند.به‏ گفته آن شاعر دلسوخته:

دین تو را در پی آرایشند در پی آرایش و پیرایشند

بسکه ببستند بر او برگ و ساز گر تو ببینی نشناسیش باز

هر چند این اندیشه‏ها سیر صعودی و تکاملی‏ دارد و گاهی بشر به کوته نظری و خطای گذشتگان‏ پی می‏برد ولی محو نهایی این بدعتها،در عصر ظهور حجت،یعنی عصر کمال نهایی اندیشه‏ها، حاصل می‏شود.به همین منظور یکی از وظایف‏ خطیر امام زمان علیه السلام،محو همین بدعتها و بیان حقیقت دین برای بشریت است.

استاد مطهری در این باره می‏فرمایند:«معلوم‏ است که بدعت در دین خاتم هم امکان پذیر است، چنانکه ما هم که شیعه هستیم و اعتقاد داریم به وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن،می‏گوییم ایشان‏ که می‏آیند«یأتی بدین جدید».تفسیرش این است‏ که آنقدر تغییرات و اضافات در اسلام پیدا شده است‏ که وقتی او می‏آید و حقیقت دین جدش را می‏گوید، به نظر مردم می‏رسد که این دین غیر از دینی است‏ که داشته‏اند و حال اینکه اسلام حقیقی همانی است‏ که آن حضرت می‏آورد.(8)

درباره مفهوم انتظار هم،متناسب با برداشتهای‏ متفاوت،این اندیشه منشا رشد و پویایی یا رکود و عقب ماندگی داشته است.استاد مطهری‏ خصوصیات دو گونه انتظار«مثبت»و«منفی»را این‏ گونه بیان می‏کنند:«انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است:انتظاری که سازنده‏ و نگهدارنده است،تعهدآور است،نیرو آفرین و تحرک بخش است،به گونه‏ای که می‏تواند نوعی‏ عبادت و حق پرستی شمرده شود؛و انتظاری که‏ گناه است،ویرانگر،اسارت بخش و فلج کننده‏ است و نوعی«اباحیگری»باید محسوب شود.این‏ دو نوع انتظار فرج،معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود است و این دو نوع برداشت به‏ نوبه خود،از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‏شود.»(9)

در نگاه انتظار ویرانگر و منفی-که متأسفانه در جامعه ما هم طرفداری دارد-هر اصلاحی در جامعه‏ محکوم است چرا که باید ظلم و تباهی رواج داشته، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد،باطل‏ یکه تاز میدان گردد،تا انفجاری(10)رخ دهد و انتظار به سر آید:«علیهذا هر اصلاحی محکوم است،زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است.تا در صحنه‏ اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‏شود،برعکس،هر گناه و هر فساد و هر ظلم‏ و هر تبعیضی و هر حقکشی،هر پلیدی‏ای به حکم‏ این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‏کند رواست زیرا«الغایات تبرر المبادی»هدفها وسیله‏های نامشروع را مشروع‏ می‏کنند.پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار،ترویج و اشاعه فساد است.

اینجاست که گناه هم فال است و هم تماشا،هم‏ لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب‏ مقدس نهایی».(11)

در چنین اندیشه‏ای،امر به معروف و نهی از منکر دیگر جایی ندارد.واجبی است که باید ترک‏ شود و حد الهی است که باید در تاریخ بایگانی‏ شود،چرا که اجرایش،فریضه‏ای(ظهور مصلح) را به تأخیر می‏اندازد،پس وجوبش در ترک است.

دیگر عاشورایی آفریده نمی‏شود،اصلا نباید عاشورایی اندیشید.اندیشه عاشورایی محکوم‏ است،در این نگاه قصه کربلا افسانه‏ای می‏گردد که تنها ذکرش ثواب دارد و بس(همان که سالها گذشتگان شاهدش بودند)حتی شورآفرینی عاشورا و عشق بازی قهرمانانش،در پای انتظار قربانی‏ می‏شود.در این اندیشه،تمام تکالیف فردی و اجتماعی از انسان ساقط می‏شود و داستان همان‏ انگلیسی معروف.(12)

استاد مطهری در این باره می‏فرمایند:«آیا ما مسلمانان راجع به ظهور حضرت حجت باید اینجور فکر کنیم؟باید بگوییم:بگذارید معصیت‏ و گناه زیاد بشود،بگذارید اوضاع پریشانتر گردد، پس امر به معروف و نهی از منکر نکنیم،بچه‏هامان‏ را تربیت نکنیم،بلکه خودمان هم برای اینکه در ظهور حضرت حجت سهیم باشیم العیاذ بالله نماز نخوانیم...خیر این بدون شک بر خلاف یک اصل‏ قطعی اسمی است؛یعنی به انتظار ظهور حضرت‏ حجت،هیچ تکلیفی از ما ساقط نمی‏شود،نه‏ تکلیف فردی و نه تکلیفی اجتماعی.»(13)

در اندیشه آرمان گرایانه استاد مطهری،انتظار در معنای اولش بزرگترین محرک اجتماعی است‏ \*استاد مطهری خصوصیات‏ دو گونه انتظار«مثبت»و«منفی» را این گونه بیان می‏کنند:«انتظار فرج و آرزو و امید و دلبستن به‏ آینده دو گونه است:انتظاری که‏ سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است،نیروآفرین و تحرک بخش است،به گونه‏ای که‏ می‏تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛و انتظاری که گناه است،ویرانگر، اسارت بخش و فلج کننده است و نوعی«اباحیگری»باید محسوب‏ شود.

که انسان را برای حاکمیت ارزشها و محو ضد ارزشها تشویق می‏کند،برای همین انتظار بدین‏ معنا را با فضیلت‏ترین عبادات(افضل الاعمال‏ انتظار الفرج)(14)دانسته‏اند.

شهید مطهری با استناد به آیات 5 سوره قصص، 105 سوره انبیاء و...چنین نتیجه گیری‏ می‏کند:«از این آیات استفاده می‏شود که ظهور مهدی موعود حلقه‏ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی‏ می‏شود،سهیم بودن یک فرد در این سعادت‏ موقوف به این است که آن فرد عملا در گروه اهل‏ حق باشد.آیاتی که بدانها در روایات استناد شده‏ است،نشان می‏دهد که مهدی موعود(عج)مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده‏ است،مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است:

«وعد الله الذین...»

(15)بنابراین هر مبارزه‏ حق گرایانه‏ای،حلقه‏ای از حلقات مبارزه جهانی‏ و هر پیروزی جلوه‏ای از پیروزی آن انقلاب بزرگ‏ می‏باشد.

باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

فراموشمان نشود که پیروزی انقلاب اسلامی‏ در ایران،محصول تئوری انتظار سازنده و عنایات‏ آن امام منتظر بود.

در اینجا ذکر دو نکته ضروری به نظر می‏رسد:1-در سایر ادیان نیز به انتظار معتقدند با این تفاوت که در آن دیدگاهها،سخن از یک موجود نجات بخشی است که در آینده می‏آید و به امور سامان می‏دهد ولی در اندیشه تشیع،سخن از انسان‏ شریفی است که او هم همراه سایر مردم انتظار می‏کشد،منتظری است که با ما زندگی می‏کند، دردها و غصه‏ها را احساس می‏کند و مقام ولایت‏ تکوینی در بین مردم دارد.2-انتظار فرج، صرف نظر از اسلامی بودن و...یک اندیشه‏ای‏ است که چون نوعی خوشبینی نسبت به آینده بشر (و طرد بدبینی)است،ارزشمند و شور و تحرک آفرین و امید دهنده و تعهدآور و...است.

بویژه در این عصر،که بشر سرگردان و گرفتار «روزمرگی»زندگی ماشینی،بیش از هر زمان نیاز به مأمن و ملجأ اعتقادی دارد تا خود را از اندیشه‏های نیهیلیستی برهاند و روان تشنه خود را سیراب نماید.

منتظر واقعی کیست؟

در مکتب انتظار،بزرگترین درسهای تربیتی را می‏توان آموخت و آموزش داد.بسیار تأثرآور است‏ در مکتبی که این همه ارزشها در درون نهفته دارد شایسته تربیت نشویم و شایسته تربیت نکنیم.پس‏ منتظر واقعی کسی است که:

1-آرمان گرا و حق گرایی است که مقصد نهایی‏اش را در زندگی مشخص نموده است.

2-انتظارش سازنده،تحرک بخش و تعهدآور است.

3-انتظارش بهترین محرک او برای تلاش در جهت حاکمیت ارزشها در اجتماع است.پس این‏ انتظار افضل اعمال است.

4-به آینده بشریت خوش بین(16)و به پیروزی‏ مصلحان امیدوار است(مطابق آیات کریمه قرآن).

5-امیدش به آینده تاریخ،تحرک آفرین و مسئولیت آور است(آینده‏ای روشن،با حاکمیت‏ اراده الهی نه بشری).

6-همواره مشتاق درک روزگار بلوغ اندیشه‏ بشریت است و در جهت تعالی اندیشه خود و دیگران در این راه می‏کوشد.

7-هر اصلاحی را یک نقطه امید و روشنی به‏ تحقق ظهور منجی مصلح می‏داند.

8-هر مبارزه حق طلبانه را،حلقه‏ای از حلقات‏ مبارزه‏ای می‏داند که به پیروزی نهایی حکومت‏ واحد جهانی اهل حق منتهی می‏شود.

9-با اعتصام به دو حبل الهی(قرآن و عترت) عملا مقدمات ظهور را فراهم می‏کند.

10-همواره در پرتو ولایت تکوینی آن انسان‏ کامل،در تعالی روحی و معنوی خود می‏کوشد.

11-هر صبحگاه با آن امام منتظر تجدید عهد و بیعت می‏کند(دعای عهد)و ظهور آن طلعت‏ رشیده و غره حمیده را از خداوند طلب می‏کند.

12-در مناجاتش همواره برای سلامتی و فرج‏ آن نرگس بوستان احمدی دعا می‏کند.

خوشا به حال آنها که اینگونه می‏اندیشند و عمل‏ می‏کنند(طوبی لهم فطوبی لهم).

«ولایت تکوینی»امام در عصر غیبت

موارد استعمال کلمه«ولایت»برای امام‏ مختلف است از جمله آنها:مرجعیت دینی، رهبری سیاسی و اجتماعی،امامت باطنی و... است.بالاترین مرحله امامت،همان ولایت‏ معنوی و به تعبیر استاد مطهری«ولای تصرف» است که اوج مفهوم امامت را در بر دارد.این اقتدار تکوینی بیشتر جنبه عرفانی دارد،تنها بخش ارتباطی‏ انسان کامل است که در غیبت و حضور تعطیل‏ نمی‏شود،و ریسمان اتصال ملک و ملکوت‏ است:«این السبب المتصل بین الارض و السماء»(17)

انسان کامل که مظهر اتم و اشرف اسم شریف‏ ولی(به استناد آیه 102 سوره یوسف)است، صاحب مقام ولایت کلیه است که می‏تواند به اذن‏ الهی در کائنات تصرف کند و بر حسب اراده‏اش، صورتی را خلع و صورتی را لبس نماید:«انسان‏ بزرگترین جدول بحر وجود،و جامع‏ترین دفتر غیب و شهود،و کاملترین مظهر واجب الوجود است.این جدول اگر درست تصفیه و لای روبی‏ شود مجرای آب حیات و مجلای ذات و صفات‏ می‏گردد.»(18)

چنین انسانی،مظهر همه اسما و صفات و مجمع همه حقایق و آیات می‏گردد و به تعبیر زیبای‏ امام علی(ع)،انسان موجودی است که عالم اکبر در آن نهان است و می‏تواند کتاب مبینی باشد که‏ زیباترین جلوه‏های هستی در آن نمایان گردد:

اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

انت الکتاب المبین الذی‏ بایاته یهظر المضمر(19)

شیخ قونوی در«تفسیر فاتحة الکتاب» می‏گوید:و جعل الانسان الکامل الذی هو العالم‏ الصغیر من حیث الصورة کتابا وسطا جامعا بین‏ حضرة الاسماء و حضرة المسمی،و جعل القرآن‏ خلقا مخلوقا علی صورته لیبین به خفی سریرته و سر صورته.فالقرآن العزیز هو النسخة الشارحة صفات الکمال،الظاهر بالانسان من غیر الاختلال‏ و لا نقصان(20)

برای همین انسان کامل را ترجمان و تجسم‏ حقایق قرآن می‏دانند.استاد حسن زاده آملی،یکی‏ از برکات حکمت تعالیه را تبین جایگاه انسان کامل‏ در نظام هستی می‏داند:«یکی از مطالب عرشی و نکات دقیقی که در زیر حکمت متعالیه و صحف‏ ارباب قلوب در حدوث زمانی عالم معنون است‏ این است که انسان در مسیر تکاملی و استکمالی‏ خود به جایی می‏رسد که عالمی عقلی مضاهی و مشابه با عالم عینی خارجی می‏شود که جهانی است‏ افتاده در گوشه‏ای،پس این انسان عالم مجرد عقلانی،عالم حادث به حدوث زمانی است.

انسان‏های کامل به فعالیت رسیده هر یک عالم‏ حادث به حدوث زمانی‏اند.ماده کائنات در تحت‏ اراده انسان کامل قرار می‏گیرد و موجودات عالم‏ چنان در اطاعت او خواهند بود که اعضا و جوارح‏ ما در اطاعت و اختیار ما می‏باشند.»(21)

بر اساس همین اندیشه است که حقیقت‏ معجزات و کرامات و خوارق عادات،به دست‏ انسان کامل،روشن می‏شود.

استاد مطهری در بحث ولا و ولایت‏ها،در \*در اندیشه آرمان گرایانه استاد مطهری،انتظار در معنای اولش‏ بزرگترین محرک اجتماعی است که‏ انسان را برای حاکمیت ارزشها و محو ضد ارزشها تشویق می‏کند،برای همین‏ انتظار بدین معنا را با فضیلت‏ترین‏ عبادات دانسته‏اند.

این باره می‏فرمایند:«نظریه ولایت تکوینی از یک‏ طرف مربوط است به استعدادهای نهفته در این‏ موجودی که به نام«انسان»در روی زمین پدید آمده‏ است و کمالاتی که این موجود شگفت بالقوه دارد و قابل به فعلیت رسیدن است،و از طرف دیگر مربوط است به رابطه این موجود با خدا.مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان در اثر پیمودن‏ صراط عبودیت به مقام قرب الهی نائل می‏گردد و اثر وصول به مقام قرب-البته در مراحل عالی آن- این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است،در وی متمرکز می‏شود و با داشتن‏ آن معنویت،قافله سالار معنویات،مسلط بر ضمائر و شاهد بر اعمال و حجت زمان می‏شود.

زمین هیچگاه از ولی که حامل چنین معنویتی باشد، و به عبارت دیگر،از«انسان کامل»خالی‏ نیست».(22)

یکی از القاب امام زمان علیه السلام هم‏ «وجه الله»است یعنی ربط هر موجود با پروردگار خود به وسیله همان جنبه وجه اللهی است و اگر آن‏ وجه نباشد همه موجودات معدوم می‏گردند:«لو لا الحجة لساخت الارض باهلها».بر این اساس، حجت خدا در زمین به خورشید پشت ابر تشبیه شده‏ است.چرا که عالم هستی قائم به وجود اوست، ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد، حیات معنوی مردم را تنظیم می‏نماید و حقایق‏ اعمال را به سوی خدا بالا می‏برد.این نفوذ،ناشی‏ از اتصال به مبداء هستی و اشراف بر جهان و انسان‏ است و به اذن الهی(23)صورت می‏گیرد.در بحار الانوار از قول حضرت حجت آمده است:«فانا یحیط علمنا بانبائکم و لا یعزب عنا شی‏ء من‏ اخبارکم»(24)

استاد مطهری،در بحث اقسام ولایت،در مقام بیان این نوع ولایت می‏فرمایند:«سوم از جنبه‏ معنوی و باطنی.از نظر شیعه در هر زمان یک«انسان‏ کامل»که نفوذ غیبی دارد بر جهان و انسان و ناظر بر ارواح و نفوس و قلوب است و دارای نوعی‏ تسلط تکوینی بر جهان و انسان است،همواره‏ وجود دارد و به این اعتبار نام او«حجت»است.

بعید نیست-همچنانکه گفته‏اند-آیه کریمه

«النبی‏ اولی بالمومنین من انفسهم»

ناظر به این معنی از ولایت نیز بوده باشد»(35)در نتیجه باید گفت:

طاعات هیچکس نشود مورد قبول‏ عنوان دفترش نبود گر ولای تو

مهدویت و آینده تاریخ

در اندیشه تربیت شدگان مکتب قرآن،تاریخ‏ سیر صعودی و تکاملی دارد.هر اصلاحی که امروز به دست بشر صورت گیرد،زمینه‏ای خواهد بود برای یک اصلاح نهایی و حکومت جهانی.هر چند این اندیشه با بعضی اندیشه‏های ماتریالیستی و غیر ماتریالیستی به ظاهر شباهت دارد،ولی در اصول اساسی کاملا با آن دیدگاهها متفاوت است.

نخست اینکه در تئوری مهدویت اسلامی سخن از آینده تاریخ،بیان حاکمیت اراده الهی است نه صرفا اراده بشر و نه صرفا طبیعت مادی تاریخ(به استناد آیات کریمه قرآن،

و نرید ان نمن...)

دوم آنکه: در این دیدگاه،این انسانهای صالح هستند که‏ همواره زمینه و شرایط تحقق آن جامعه واحد جهانی‏ را فراهم می‏کنند.و سوم اینکه:ارزش هر مبارزه‏ای به حق بودن آن است نه نو بودن آن.(26)

در این اندیشه،هر مبارزه‏ای تنها برای احقاق حق‏ فردی و اجتماعی مشروعیت و قداست پیدا می‏کند.

استاد مطهری در بیان نقش حضرت حجت در تکامل تاریخ و بشریت می‏فرمایند:«یعنی زندگی‏ بشر در آینده منتهی می‏شود به عالیترین و کاملترین‏ زندگیها که از جمله آثاری که در آن هست آشتی‏ انسان و طبیعت است و آن این است که زمین تمام‏ معادن خود را در اختیار انسان قرار می‏دهد،آسمان‏ تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‏دهد و همه اینها خود تکامل تاریخ است.»(27)

ایشان در جای دیگر مشخصات حکومت‏ حضرت مهدی را این گونه بیان می‏نمایند:«ما مسلمانها بالاخص شیعیان می‏گوییم دوره سعادت‏ بشری آن عصری است که دوره عدل کامل است‏ یعنی عصر ظهور حضرت حجت(عج)آن دوره‏ای‏ که اولین مشخصه‏اش این است که دوره حکومت عقل است یعنی دوره‏ای که در آن،علم اسیر و برده‏ نیست.

امیر المؤمنین(ع)تعبیری درباره عصر دارد که‏ می‏فرماید:«و لا یغبقون کأس الحکمة بعد الصبوح» در آن عصر مردم صبحگاهان و شامگاهان جامی‏ که می‏نوشند جام حکمت و معرفت است،جز جام‏ حکمت و معرفت جام دیگری نمی‏نوشند.»(28)

استاد به بررسی نگاه بدبینانه و اضطراب آور مادی مسلکها،در تحلیل آینده تاریخ می‏پردازند و مهمترین علت این بدبینی را نداشتن اهداف والای‏ الهی و معنوی می‏داند،در مکتبی که رهایی، بیهودگی و عبث گرایی،آرمان نهایی‏اش،باشد، نباید چیزی جز این بدبینی شوم را نسبت به آینده‏ بشریت انتظار داشت.ویل دورانت به خوبی به این‏ معضل اعتراف نموده است:«ما از نظر ماشین‏ توانگر شده‏ایم و از نظر مقاصد فقیر».(29)

ایشان نگاه حکیمانه پرورش یافتگان مکتب‏ الهی را این گونه توصیف می‏کنند:«خیر،عمر جهان به پایان نرسیده است،هنوز اول کار است، دولت مقرون به عدل و عقل و حکمت و خیر و سعادت و سلامت و امنیت و رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی،در انتظار بشریت است، دولتی که در آن دولت،حکومت با صالحان است‏ و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت‏ خواهد گرفت.»(30)

\*«یعنی زندگی بشر در آینده منتهی‏ می‏شود به عالیترین و کاملترین‏ زندگیها که از جمله آثاری که در آن‏ هست آشتی انسان و طبیعت است و آن این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می‏دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‏دهد و همه اینها خود تکامل تاریخ است.»

اعتقاد به مهدویت در اسلام نه تنها خوشبینی‏ نسبت به پایان کار جهان و آینده بشریت را تضمین‏ می‏کند بلکه نویدی است بر بلوغ فکر و اندیشه(31) بشریت:«وقتی قرآن می‏گوید

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

(انبیاء آیه 105)صحبت از زمین است،نه صحبت‏ از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد.اولا امیدواری به آینده است که دنیا در آینده نابود نمی‏شود...دوم آن دوره،دوره عقل و عدالت‏ است.شما می‏بینید یک فرد سه دوره کلی دارد... چگونه می‏شود که چنین دوره‏ای نیاید؟!

مگر می‏شود که خداوند این عالم را خلق کرده باشد و بشر را به عنوان اشرف مخلوقات آفریده باشد، بعد بشر به دوره بلوغ خودش نرسیده یکمرتبه تمام‏ بشر را زیر و رو کند؟!پس مهدویت یک فلسفه‏ بسیار بزرگ است.ببینید مضامینی که ما در اسلام‏ داریم چقدر عالی است!»(32)

آیا برای فطرتهای بیدار،درک چنین دولت‏ کریمه‏ای نوید و آرزوی بزرگ نیست؟!«و ترزقنا بها کرامة الدنیا و الاخرة»

گفتارمان را با سخن ارزشمندی از استاد شهید مطهری،در بیان اوصاف اصحاب امام زمان(با توجه به آیات 112 سوره توبه و 17 سوره آل‏ عمران(33))به پایان می‏بریم.ایشان در بحث لزوم‏ هماهنگی در پرورش گرایشهای درونی و برونی با استناد به آیات فوق می‏فرمایند:«بنابراین در اسلام، این گرایشها از یکدیگر تفکیک پذیر نیست،کسی‏ که یکی از اینها را استخفاف کند،دیگری را هم‏ استخفاف کرده است.در اوصاف اصحاب‏ حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه تعبیری است‏ که من نه فقط در یک حدیث بلکه در احادیث‏ متعدد،آن را دیده‏ام:رهبان باللیل،لیوث بالنهار (سفینة البحار،ماه صحب)در شب راهبانند،شب‏ که سراغ آنها می‏روی گویی سراغ یک عده راهب‏ رفته‏ای ولی روز که سراغشان می‏روی(گویی) سراغ یک عده شیر رفته‏ای»(34)

از این بیان می‏توان نتیجه گرفت که«رهبان‏ باللیل»بودن است که«لیوث بالنهار»می‏پرورد و «لیوث بالنهار»شدن مستلزم«رهبان باللیل»بودن‏ است.به تعبیر زیبای خود استاد،استخفاف یکی‏ استخفاف دیگری است.در جامعه‏ای که انتظار داریم اصحاب آن امام منتظر تربیت شوند لازم است‏ شرایط تحقق صفت اول(رهبان باللیل و تزکیه و پرورش درونی)را فراهم آوریم.کسی که از برکات‏ الهی در شب و تربیت نفس در خلوت،محروم‏ باشد تاب مقاومت و مداومت در رزم روزانه‏ را ندارد.

منابع

1-یکی از اختلافها در این است که بیشتر اهل سنت معتقدند امام مهدی‏ در آخر الزمان متولد می‏شود.به خلاف شیعه که معتقدند هم اکنون زنده است‏ و خداوند به خاطر حکمتی او را از دیده مردم پنهان نموده است.محیی الدین‏ عربی با اینکه اهل سنت است در کتاب فتوحات موافق شیعه است.

2-کتب روایی اهل سنت و شیعه در این باره روایات متعدد دارد.

3-یکی از معانی بلندی که در این لفظ نهفته است مفهوم ولایت تکوینی‏ و قدرت تصرف امام در امور است که در متن مقاله در این باره به تفصیل‏ سخن خواهیم گفت.

4-گفتارهای معنوی،استاد مطهری،انتشارات صدرا،ص 203

5-دیوان حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی(معروف به کمپانی) انتشارات دار الکتب الاسلامیه،ص 201

6-این مفاهیم هم معنای مثبت و سازنده دارند و هم معنای منفی و بازدارنده،متأسفانه از عوامل انحطاط مسلمین برداشتهای منفی از همین‏ مفاهیم بوده است.

7-سوره روم آیه 32

8-اسلام و مقتضیات زمان،استاد مطهری،جدول اول،ص 377، انتشارات صدرا

9-قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ،استاد مطهری،ص‏ 7 و 8،انتشارات صدرا

10-از نگاه مطهری،تعبیر ظهور به انفجار نادرست است چرا که‏ مسئله قابلیت پیدا کردن جامعه برای پذیرش است و شرایط آن کمال نهایی را فراهم آوردن،همانند رسیده شدن میوه در شرایط مطلوب.

11-قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ،ص 62 به بعد.

12-روزی در یکی از کشورهای اسلامی(ظاهرا عراق)یک مأمور انگلیسی صدای اذان را می‏شنود می‏گوید این چرا فریاد می‏زند چه می‏گوید: پاسخ می‏دهند چیزی نیست اذان مسلمانان را می‏گوید.می‏پرسد آیا به‏ سیاست ما لطمه می‏زند.پاسخ می‏دهند خیر می‏گوید بگذار هر چه می‏خواهد فریاد بزند.

13-سیری در سیره ائمه اطهار،استاد مطهری،انتشارات صدرا،ص 294

14-بحار الانوار ج 52 ص 122

15-قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ،ص 64

16-نقطه مقابل اندیشه‏های ماتریالیستی که یا نقشی برای انسان در ساختن آینده تاریخ قائل نیستند یا به آینده بشر بدبینند.

17-دعای ندبه

18-ولایت تکوینی،حسن زاده آملی،ص 57،انتشارات قیام قم.

19-دیوان منسوب به امام علی،ص 75،تحفة المراد ص 284 به‏ گفته آن شاعر پارسی گوی:آنچه در عالم عیان و مظهر است‏ جمله در انسان کمال مضمر است

20-اعجاز البیان فی تاویل ام القرآن(تفسیر فاتحة الکتاب)،صدر الدین‏ قونوی،ص 3.

21-ولایت تکوینی،حسن زاده آملی،ص 54.

22-مجموعه آثار استاد مطهری،ج 3،ولا و ولایت‏ها،ص 285.

23-اذن تکوینی نه قولی.

24-بحار الانوار ج 53 ص 175:براستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست.

25-مجموعه آثار استاد مطهری،ج 3،ص 286.

26-در اندیشه دیالکتیکی مارکسیسم،برای انتقال تاریخ از دوره‏ای‏ به دوره دیگر،مبارزه نو با کهنه شرط است،کهنه از آن جهت که کهنه است‏ باید از بین برود(نه از آن جهت که باطل است)تا مقدمات ورود در دوره‏ جدید حاصل شود.

27-فلسفه تاریخ،استاد مطهری،ص 202،انتشارات صدرا

28-اسلام و مقتضیات زمان،ج 1،ص 50،انتشارات صدرا.

29-لذات فلسفه،ویل دورانت،این سخن را استاد مطهری در کتاب‏ انسان و سرنوشت،ص 134 نقل کرده است.

30-انسان و سرنوشت،استاد مطهری،ص 137،دفتر انتشارات‏ اسلامی،قم

31-همانطور که در آیات کریمه قرآن هم تأکید بسیاری بر تعقل و تفکر شده است.

32-سیری در سیره ائمه اطهار،استاد مطهری،ص 299

33-توبه آیه 112

«التائبون العابدون الحامدون السابحون الراکعون‏ السجادون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنکر...»

سوره آل عمران‏ آیه 17

«الصابرین و الصادقین و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار.»

در قرآن کریم برای شب توصیفات زیبایی شده است.چندین بار به شب‏ «لیل»سوگند یاد شده است.نزول قرآن در شب،توصیف مؤمنان به استغفار در شب،ارزش ویژه نماز در شب و رسیدن به مقام محمود و...در اشعار شعرا نیز نزول برکات به شب نسبت داده شده است و به تعبیر خودشان«تازه‏ براتها»و معارف ناب در شب بدست می‏آید.

34-انسان کامل،استاد مطهری،ص 101،انتشارات صدرا